**( عط) طائفه سوفسطائيّه برآنند که موجودات**

**عبارت از اوهام است**

طائفه سوفسطائيّه برآنند که موجودات عبارت از اوهامات است هر موجود وهم محض است ابداً وجود ندارد يعنی وجود موجودات مثل سراب و يا خود مثل صور مرئيّه در آب و مرآتست که نمايش محض است ابداً اصل و اساسی و تحقّقی ندارد . اين رأی باطل است زيرا وجود موجودات نسبت بوجود حقّ اوهام است امّا در رتبه امکان موجوداترا وجود محقّق است و ثابت قابل انکار نيست . مثلاً وجود جمادی نسبت بوجود انسانی عدم است زيرا انسان وقتی که بظاهر معدوم گردد جسدش جماد شود ولی جماد در عالم جمادی وجود دارد پس واضح شد که تراب نسبت بوجود انسان معدوم است و وجودش اوهام امّا در رتبه جمادی تراب وجود دارد . و بهمچنين وجود موجودات بالنّسبه بوجود حقّ اوهام و عدم محض است و عبارت از نمايش است مثل صوری که در آينه پيدا شود ولی آن صوری که در آئينه ديده ميشود هر چند اوهام است امّا اصل و حقيقت آن صور موهومه شخص عاکس است که صورتش در اين آئينه ظاهر شد مختصر اينست که عکس بالنّسبه بعاکس وهم است . پس واضح شد که هر چند موجودات بالنّسبه بوجود حقّ وجودی ندارند بلکه مانند سراب و صور مرئيّه در مرآتند ولی در رتبه خود وجود دارند . اينست که غافلان از حقّ و منکران را حضرت مسيح مرده ميگفتند و حال آنکه بظاهر زنده بودند امّا بالنّسبه باهل ايمان مرده بودند و کور و کر و لال بودند اينست مقصد حضرت مسيح که ميفرمايد مرده ها را بگذار مرده‌ها دفن نمايند.